

## عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران

حاتم حسینی<sup>۱\*</sup>، رسول صادقی<sup>۲</sup> و اردشیر رضایی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹

### چکیده:

طی سه دهه گذشته در ایران سن ازدواج دختران به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. از منظر اجتماعی - جمعیتی تأخیر در ازدواج و تغییر الگوهای زناشویی، پیامدها و الزامات سیاستی بسیاری دارد. تأخیر در ازدواج دختران طول دوره فرزندآوری و نیز طول نسل‌های بعد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف این مقاله، بررسی و تبیین تأخیر در ازدواج دختران در بستر توسعه اقتصادی - اجتماعی و تغییرات موقعیت زنان در شهرستان‌های ایران است. روش تحقیق تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ برای ۴۲۸ شهرستان کشور است. نتایج نشان داد که در حدود ۱۰ درصد شهرستان‌های مورد بررسی نسبت تجرد دختران ۲۵ تا ۲۹ ساله بیشتر از ۳۰ درصد است. بر پایه نتایج بررسی، الگوی جغرافیایی و فرهنگی خاصی در تأخیر ازدواج دختران در ایران وجود دارد. تجربه تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های غربی کشور بیشتر از سایر مناطق ایران است. نتایج تحلیل‌های چندمتغیره نشان داد که نسبت تجرد مردان عدم تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان، میزان بیکاری مردان و درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین تأخیر در ازدواج دختران دارند. بنابراین، کاهش نابرابری توسعه‌ای و بهبود وضعیت اشتغال مردان می‌تواند در کاهش تأخیر ازدواج دختران مؤثر باشد.

**واژگان کلیدی:** استقلال زنان، تأخیر ازدواج، سن ازدواج، شاخص توسعه، عدم تعادل در بازار ازدواج.

۱ دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا؛ استاد وابسته‌ی دانشگاه نیپسینگ، کانادا (نویسنده‌ی مسئول) h-hosseini@basu.ac.ir  
۲ دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران rassadeghi@ut.ac.ir  
۳ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا ardeshir\_re@gmail.com

**Determinants of Delay Marriage among Girls in Iran**

Hatam Hosseini\*<sup>1</sup>, Rasoul Sadeghi<sup>2</sup> & Ardeshir Rezaei<sup>3</sup>

Received: August 9, 2019

Accepted: November 20, 2019

**Abstract**

The age at marriage for males and females has increased considerably over the past three decades in Iran. Marriage delay and changing marital patterns have many consequences and implications from a socio-demographic viewpoint. Postponing of marriage affects the length of the childbearing period as well as the length of subsequent generations. The aim of this article is to explain the marriage delay of girls in the context of socio-economic development and women's status changes in Iranian society. The research is based on secondary analysis of the 2016 Iranian census for 428 counties. The results showed that marriage delay for girls aged 25-29 years old is more than 30 percent in about 10 percent of the counties under study. According to the results, marriage delay of girls in Iran follows certain geographical and cultural patterns; girls who live in west regions, delay their marriage more than girls living in other parts of the country. Furthermore, marriage delay can be explained proportionately by the proportion of male singlehood, marriage squeeze, female autonomy, male unemployment rate and development level of the county. Therefore, policies like reducing regional developmental gaps and employment rates for men can help in decreasing girls' marriage delays.

**Keywords:** Age at Marriage, Delaying in Marriage, Women's Autonomy, Marriage Squeeze, Development Index.

---

1 Associate Professor of Demography, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University; Adjunct Professor, Nipissing University, Canada (Corresponding Author), h-hosseini@basu.ac.ir

2 Associate Professor of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran: rassadeghi@ut.ac.ir

3 M. A. in Demography, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University: ardashir\_re@gmail.com

## مقدمه و بیان مسئله

ازدواج، به‌عنوان مبنای شکل‌گیری نهاد خانواده و مناسک گذار از جوانی به بزرگسالی، همواره مورد توجه افکار عمومی، پژوهش‌های علمی و دانشگاهی و عرصه سیاست‌گذاری است. ازدواج به‌همراه سازوکارهای تحقق و نظم و ترتیبات مرتبط با آن یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و زیستی است که هم از تحولات جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد.

یکی از ابعاد تحولی ازدواج، تأخیر در ازدواج است. تأخیر ازدواج و افزایش نسبت تجرد ابتدا در جوامع پیشرفته صنعتی مانند ایالات‌متحده و کشورهای اروپای غربی و شمالی اتفاق افتاد (ویکس<sup>۱</sup> ۱۳۹۵: ۴۵۰-۴۴۹)، به‌طوری‌که درصد دختران هرگز ازدواج‌نکرده ۲۹-۲۵ ساله در اروپای شمالی و غربی از ۲۰ درصد در سال ۱۹۷۰ به بیش از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است (حسینی ۱۳۹۲: ۲۲۰). این پدیده در نیمه دوم قرن بیستم به کشورهای درحال توسعه نیز سرایت کرد (لوکاس و میر<sup>۲</sup>، ۱۳۹۳: ۱۱۳). در ایران نیز طی چند دهه اخیر ابعاد و عناصر مختلف خانواده در حوزه‌های نگرشی و رفتاری دگرگونی‌های بسیاری به خود دیده است. یکی از ابعاد این تحولات، طولانی‌شدن دوران تجرد نسل جوان و تعویق ازدواج است (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۵). در طول سه دهه گذشته میانگین سن ازدواج زنان سه سال (از ۱۹/۹ سال در سرشماری ۱۳۶۵ به ۲۳/۲ سال در سال ۱۳۹۵) و برای مردان (از ۲۳/۸ سال در سال ۱۳۶۵ به ۲۷/۵ سال در سرشماری ۱۳۹۵) چهار سال افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، بر اساس نتایج سرشماری‌های ۹۵-۱۳۶۵). هرچند ازدواج هر دو جنس با تأخیر مواجه شده، اما در زنان علاوه بر برجسته‌بودن تأخیر، الگوی سنی ورود به ازدواج نیز بیش از مردان دستخوش تغییر شده است (رحیمی، کاظمی‌پور و رازقی ۱۳۹۵).

یکی از ویژگی‌های زمان‌بندی ازدواج در ایران پراکندگی استانی آن است. میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان به ترتیب از ۲۴/۷ سال و ۲۱/۷ سال در خراسان جنوبی تا ۲۸/۹ سال و ۲۶/۳ سال در استان ایلام در نوسان است. تفاوت‌ها در مقیاس شهرستانی تقریباً دو برابر نوسان‌ها در سطح استان است. برای مثال، میانگین سن ازدواج مردان از ۲۲/۱ سال در شهرستان سیب و سوران استان سیستان و بلوچستان تا ۳۰/۴ سال در شهرستان گیلانغرب

1 Weeks

2 Lucas and Meyer

استان کرمانشاه و برای زنان از ۱۸/۹ سال در شهرستان خلیل‌آباد استان خراسان رضوی تا ۲۷/۹ سال در شهرستان گیلانغرب در نوسان است (ترابی و مسگرزاده ۱۳۹۵).

تأخیر در ازدواج دختران می‌تواند آثار و پیامدهای گوناگونی در پی داشته باشد. ازمنظر جمعیت‌شناختی تأخیر در ازدواج و تغییر الگوی زناشویی ازیک سو می‌تواند به ایجاد فرصت‌های بیشتر برای ادامه تحصیل و به تبع آن کسب مشاغل با درآمد بهتر و استقلال مالی جوانان و در نهایت رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه و ازسوی دیگر، به افزایش تجرد قطعی، کاهش عمومیت ازدواج، تعویق سن فرزندآوری، کوچک شدن بُعد خانوار و کاهش آهنگ رشد جمعیت منجر شود (عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۹۵). از نظر بهداشتی نیز تأخیر ازدواج با افزایش معاشرت دختران و پسران می‌تواند به شکل‌گیری رفتارهای پرخطر جنسی و آسیب‌های بهداشتی نظیر گسترش ایدز منجر شود (ترابی ۱۳۹۱).

تغییر الگوی ازدواج یکی از شاخص‌های اصلی تغییرات اجتماعی است. امروزه، تأخیر در ازدواج نه به عنوان یک مسئله و مشکل شخصی بلکه به عنوان یک مسئله اجتماعی نمود پیدا کرده است. جوانانی که به خاطر سنت‌های اجتماعی مجبور به خانه‌نشینی می‌شوند و آن‌هایی که تمایل ندارند ازدواج کنند، پدیده تجرد را به یک مشکل عمومی در میان خانواده‌های ایرانی تبدیل کرده‌اند. شواهد آماری نشان‌دهنده افزایش نسبت تجرد و کاهش میزان ازدواج است، این وضعیت، از تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترده در جامعه ایرانی حکایت دارد.

تأخیر در ازدواج تحت تأثیر عوامل مختلفی در سطوح کلان، میانی و خرد است. این مقاله بیشتر متمرکز بر عوامل در سطح کلان است. ویلیام گود<sup>۱</sup> (۱۹۶۳) با طرح ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده به گستره تأثیرات فرایند نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند. در همین زمینه وستوف<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) نیز معتقد است که تحولات نهادهای ازدواج و خانواده، نشانه‌ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند، زیرا تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش اخلاق عقلانیت و فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی، افزایش احتمال بقاء فرزندان و گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی است (ویکس ۲۰۰۲: ۴۱۶). وندن هیوول و مک‌دونالد<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) در تبیین علل افزایش سن ازدواج بر سه عامل تحصیلات دانشگاهی زنان، اشتغال زنان و عدم تعادل جنسی بهنگام ازدواج تأکید کرده‌اند. بنابراین، تغییرات ساختاری در

1 William Good

2 Westoff

3 VandenHeuvel and McDonald

جامعه به دلیل ظهور نیروهای جدید اجتماعی مانند صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش همگانی و تغییر موقعیت زنان منجر به تغییرات الگوهای ازدواج از جمله تأخیر در ازدواج دختران می‌شود. بنابراین، بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر در ازدواج می‌تواند دلالت‌های سیاستی مهمی در سیاست‌گذاری جمعیتی کشور داشته باشد. از سوی دیگر، ایران جامعه‌ای چندقومیتی و چندفرهنگی است. این قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف با پیشامدهای متفاوت در معرض تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه اقتصادی اجتماعی قرار گرفته‌اند. هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست-گذاری برای فراهم کردن زمینه ازدواج بهنگام، مستلزم آگاهی و شناخت تعیین‌کننده‌های تأخیر در ازدواج و تبیین آن در پهنه جغرافیایی ایران است. هدف این مقاله بررسی و تبیین تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران است. در این ارتباط، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که: وضعیت تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران چگونه است؟ آیا تأخیر در ازدواج دختران از یک الگوی خاص منطقه‌ای پیروی می‌کند یا خیر؟ در نهایت اینکه، عوامل تعیین‌کننده تأخیر در ازدواج دختران کدامند؟

#### پیشینه تحقیق

در بررسی‌های خارجی در تبیین تأخیر در ازدواج بر عواملی نظیر توسعه اقتصادی و اجتماعی (نای پنگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷)، ساختار و وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده (هوغان<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸؛ همیلتون<sup>۳</sup> و سیو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷)، تحصیلات زنان (ایکاماری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵؛ هاشیموتو<sup>۶</sup> و کوندو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲؛ حسین و رفیق‌الاسلام<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳)، شهرنشینی (منچ<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۵)، قانون سن ازدواج (منچ و همکاران، ۲۰۰۵)، رکود اقتصادی و بیکاری (اسکالر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳) تأکید شده است. در ایران نیز پژوهش‌های متعددی به بررسی و تبیین تغییرات زمان‌بندی ازدواج پرداخته‌اند. در این بررسی‌ها بر عوامل مختلفی مانند نوسازی و توسعه (کنعانی، ۱۳۸۵؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸)، شهرنشینی (محمودیان، ۱۳۸۳؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۳؛ توده فلاح و کاظمی‌پور، ۱۳۸۹)، تحصیلات زنان (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳؛ کنعانی، ۱۳۸۵؛ توده فلاح و

1 Nai Peng  
2 Dennis P Hogan  
1 Hamilton  
4 Siow  
5 Ikamari  
4 Hashimoto  
7 Kondo  
8 Rafiqul Islam  
9 Mensch  
10 Schaller

کاظمی پور، ۱۳۸۹؛ ترابی و همکاران، ۲۰۱۳)، استقلال زنان (حسینی و گراوند، ۱۳۹۲)، تغییرات ساختار سنی (ترابی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۹۱)، عدم تعادل در بازار ازدواج (کاظمی پور، ۱۳۸۳؛ احمدی و همتی، ۱۳۸۷)، بیکاری مردان و مسائل مالی (صادقی، ۱۳۸۶؛ اسکندری چراتی، ۱۳۸۷؛ محمدی سیف و عارف، ۱۳۹۴؛ التجایی و عزیززاده، ۱۳۹۵؛ ترابی و مسگرزاده، ۱۳۹۵؛ صادقی و شکفته‌گوهری، ۱۳۹۵)، هزینه-فرصت ازدواج (دراهمکی و محمودیان، ۱۳۹۱؛ ترابی و همکاران، ۲۰۱۳)، قومیت (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴؛ ترابی و باسجیری، ۲۰۱۰؛ ترابی و همکاران، ۲۰۱۳)، بی‌اعتمادی اجتماعی (بحیرایی و حضرتی-صومعه، ۱۳۹۰)، تغییرات ارزشی و فرهنگی (حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰؛ دراهمکی و محمودیان، ۱۳۹۱؛ حسینی و گراوند، ۱۳۹۲؛ میرزایی و قربانی، ۱۳۹۴)، و تغییر نگرش‌ها و ایدئال‌های ازدواجی (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶؛ کاظمی پور، ۱۳۸۸؛ نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۶؛ صادقی و رضایی، ۱۳۹۷) تأکید شده است.

بررسی‌های مذکور بیشتر در سطح خرد (فردی) به تبیین تغییرات زمان‌بندی ازدواج پرداخته‌اند. با این حال، برخی پژوهش‌ها در سطح استانی و شهرستانی به بررسی تفاوت‌ها و عوامل مؤثر بر تأخیر در ازدواج پرداخته‌اند. برای مثال، توده فلاح و کاظمی پور (۱۳۸۹) نشان دادند استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، گیلان و لرستان از الگوی سنی ازدواج متمایزی نسبت به یکدیگر برخوردارند. در این مطالعه، نسبت شهرنشینی، نسبت اشتغال و نسبت اشتغال در بخش صنعت از عوامل تعیین‌کننده افزایش میانگین سن ازدواج مردان معرفی شد. التجائی و عزیززاده (۱۳۹۵) در بررسی بین‌استانی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران نشان دادند که متغیرهای تورم و بیکاری با افزایش خود موجب افزایش سن ازدواج مردان و زنان می‌شوند. متغیرهای تحصیلات و سطح درآمد استان آثار معناداری از خود نشان ندادند. این مطالعه چنین نتیجه‌گیری می‌کند که برای حل مسئله بالارفتن سن ازدواج باید به بهبود شرایط اقتصادی به شکل کاهش تورم و بیکاری پرداخت. ترابی و مسگرزاده (۱۳۹۵) در سطح شهرستان‌های ایران نشان دادند که شاخص‌های جامعه مخاطره‌آمیز یعنی گسترش بیکاری و افزایش وقوع طلاق نسبت زیادی از تفاوت‌های شهرستانی موجود در میانگین سن ازدواج را تبیین می‌کنند. به این ترتیب، بررسی زمینه‌های تجربی پژوهش نشان داد که در ایران پژوهش‌ها بیشتر در سطح خرد یا در سطح استان‌های کشور انجام شده است. در این مقاله تأخیر ازدواج زنان در مقیاس شهرستان بررسی و تبیین می‌شود. علاوه بر این، در پژوهش‌های پیشین از میانگین سن

در اولین ازدواج به‌عنوان معیار تأخیر در ازدواج استفاده شده است. با توجه به عمومیت پدیده ازدواج در ایران، میانگین سن در اولین ازدواج نمی‌تواند به‌خوبی تأخیر در ازدواج را بازنمایی کند. بنابراین، در پژوهش حاضر، برخلاف پژوهش‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، از نسبت تجرد دختران ۲۹-۲۵ ساله به‌عنوان شاخص تأخیر در ازدواج استفاده می‌شود.

### چارچوب نظری

در میان نظریه‌های مختلفی که برای تبیین زمان‌بندی ازدواج و تشکیل خانواده ارائه شده است، چارچوب نظری این مقاله بر چهار نظریه<sup>۱</sup>، نوسازی<sup>۲</sup>، ساختار اجتماعی<sup>۳</sup>، انتخاب عقلانی<sup>۴</sup> و اجتناب از خطر<sup>۵</sup> متمرکز است.

نظریه نوسازی، تغییرات ساختی و کارکردی در نهاد خانواده را انطباق سازمان‌یافته با تغییر در شرایط نظام پیرامونی تحت تأثیر عناصر نوسازی مانند صنعتی‌شدن، شهرنشینی، آموزش مُدرن، بهداشت مُدرن، فنآوری، رسانه‌های ارتباطی، حمل‌ونقل و ارتباطات می‌داند (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴). تورنتون<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) می‌گوید این تغییرات بُعد جهانی دارد و در جوامع درحال توسعه نیز مانند جوامع غربی از گستره و رشد چشمگیری برخوردار است. به باور پارسونز<sup>۷</sup> روند نوسازی از طریق تغییرات در نظام اجتماعی باعث تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای در همه جوامع اعم از پیشرفته و درحال توسعه می‌شود (ریتزر<sup>۸</sup> و گودمن<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). در این وضعیت زنان نقش بیشتری در فعالیت‌های خارج از منزل می‌یابند. در نتیجه، انتظار می‌رود الگوی عمومی سن ازدواج تغییر کند. کاسترلین<sup>۹</sup> و همکاران (۱۹۸۶: ۳۶۹) نیز می‌گویند نوسازی از طریق تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت می‌تواند باعث بروز عدم تعادل در بازار ازدواج و تغییر فاصله سنی زوجین شود. در نظریه ساختار اجتماعی، دیکسون<sup>۱۰</sup> (۱۹۷۱) با تمرکز بر سطح جامعه و ساختارهای اجتماعی بر اهمیت سه متغیر «قابلیت دسترسی» به شریک آینده زندگی که برحسب نسبت‌های سنی-جنسی افراد در سن

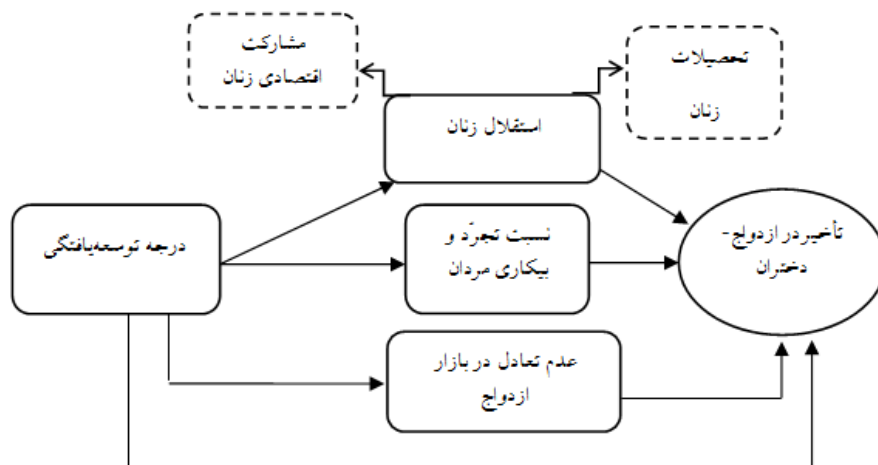
- 
- 1 Modernization
  - 2 Social structure
  - 3 Rational choice
  - 4 Risk aversion
  - 5 Arland Thornton
  - 6 Parsons
  - 7 Ritzer
  - 8 Goodman
  - 9 Casterline
  - 10 Dixon

ازدواج اندازه‌گیری می‌شود، «امکان‌پذیر بودن ازدواج» برحسب شرایط اجتماعی و اقتصادی و «مطلوبیت ازدواج» برحسب فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی تأکید کرده است. نظریه انتخاب عقلانی، باتکیه بر مدل‌های اقتصاد خرد به تبیین دلایل تأخیر در ازدواج در بین پسران و دختران می‌پردازد. بر اساس این نظریه انسان موجودی عقلانی است و مدام در حال محاسبه سود و زیان است. چنانچه منافع حاصل از یک عمل بیشتر از هزینه آن باشد به انجام آن عمل متمایل و برعکس، چنانچه هزینه‌ها بیشتر از منافع آن باشد انجام آن را به تعویق می‌اندازد. بر پایه این نظریه افراد زمانی به ازدواج و تشکیل خانواده اقدام می‌کنند که سودی در آن نهفته باشد. برای مثال، از طریق ازدواج بتوانند پایگاه و منزلت اجتماعی خود را حفظ و یا ارتقا دهند. زمانی که چنین موقعیتی پیش نیاید پدیده تأخیر در ازدواج رخ می‌دهد. این نظریه تأخیر در ازدواج را باتکیه بر اوضاع نابسامان اقتصادی تبیین می‌کند. آشفتگی اقتصادی موجب کاهش قطعیت‌های اقتصادی و اجتماعی، آنومی اقتصادی و اجتماعی، ناامیدی اجتماعی، تغییر معیارها، خواسته‌ها و انتظارات خانواده‌ها و دختران و پیامدهای دیگری شده که به‌نوبه خود در فشرده‌سازی دایره همسرگزینی و تأخیر ازدواج دختران تأثیرگذارند (حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰).

نظریه اجتناب از خطر، انگیزه‌های فردی رفتار افراد را در چارچوب اقتصادی تبیین می‌کند. افراد زمانی که در شرایط ناامنی اقتصادی و عدم قطعیت بالا قرار دارند از ریسک‌های غیرضروری در زندگی‌شان اجتناب می‌کنند (صادقی و شکفته گوهری، ۱۳۹۵). در شرایطی که بازار به شدت رقابتی و موقعیت‌های شغلی ثبات کافی ندارند، ریسک ازدواج و تشکیل خانواده افزایش می‌یابد. در این شرایط، افراد ترجیح می‌دهند با اختصاص زمان بیشتر به تحصیل امنیت شغلی خود را بالا ببرند. مک‌دونالد و ایوانس (۲۰۰۲) بر این باورند که جوانان نسبت به موقعیت‌های مخاطره‌آمیز حساسیت بیشتری دارند. جهانی شدن و افزایش سطح تحصیلات منجر به افزایش سطح انتظارات اقتصادی جوانان شده است. این افزایش انتظارات با موقعیت نامناسب جوانان در بازار کار رقابتی و احساس ناامنی نسبت به آینده همراه شده است. به این ترتیب، همان‌طور که در مرور نظریه‌ها و پیشینه تحقیق مشخص شد عواملی نظیر نوسازی و توسعه یافتگی، تحصیلات، اشتغال زنان، قابلیت دسترسی (نسبت‌های سنی جنسی در سن ازدواج)، امکان و شرایط اقتصادی و بیکاری در تبیین تأخیر در ازدواج مهم و تعیین‌کننده هستند. بر این اساس، مدل (شکل ۱) و فرضیه‌های تحقیق طراحی شد.



شکل ۱. مدل نظری- تحلیلی عوامل تعیین‌کننده تأخیر در ازدواج دختران



بر این اساس، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر ارائه شد:

- ۱) انتظار می‌رود با افزایش میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، تأخیر در ازدواج دختران افزایش یابد.
- ۲) انتظار می‌رود با افزایش استقلال زنان، تأخیر در ازدواج دختران افزایش یابد.
- ۳) انتظار می‌رود با افزایش میزان بیکاری مردان، تأخیر در ازدواج دختران افزایش یابد.
- ۴) انتظار می‌رود با افزایش میزان تجرد مردان، تأخیر در ازدواج دختران افزایش یابد.
- ۵) انتظار می‌رود با افزایش عدم تعادل در بازار ازدواج (به ضرر زنان)، تأخیر در ازدواج دختران افزایش یابد.

### روش تحقیق و داده‌ها

روش تحقیق علی-مقایسه‌ای<sup>۱</sup> (پس-رویدادی) و رویکرد اتخاذشده برای تحلیل داده‌ها، رویکرد تحلیل ثانویه<sup>۲</sup> داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ است. جمعیت آماری همه شهرستان‌های ایران در سرشماری ۱۳۹۵ است که شمار آنها بالغ بر ۴۲۹ شهرستان بود. با این وجود، شهرستان ابوموسی به علت ساختار ویژه سنی و جنسی از بررسی کنار گذاشته شد. متغیر وابسته تحقیق، تأخیر در ازدواج دختران است. تأخیر در ازدواج عبارت است از میزان عقب‌افتادن از سن مطلوب ازدواج جوان‌ها در جامعه (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷). بر اساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ سن مطلوب ازدواج دختران در ایران بین ۲۰ تا ۲۵ سال است و تنها ۶ درصد به سن ۲۵ تا ۳۰ سال به عنوان سن مطلوب ازدواج برای دختران

1 Causal-Comparative

2 Secondary analysis

اشاره کرده‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴). بر این اساس، تأخیر در ازدواج در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال مورد نظر قرار گرفت و از طریق رابطه ۱ محاسبه شد:

$$RWNM_{(x,x+n)t,c} = \frac{\sum_{25}^{29} WNM_{t,c}}{\sum_{25}^{29} P_{W,t,c}} \times K \dots\dots\dots (1)$$

که در آن؛  $RWNM_{(x,x+n)t,c}$  درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله در سرشماری ۱۳۹۵،  $\sum_{25}^{29} WNM_{t,c}$  جمعیت زنان هرگز ازدواج نکرده در همان گروه سنی در سرشماری ۱۳۹۵، و  $\sum_{25}^{29} P_{W,t,c}$  جمعیت کل زنان در همان گروه سنی و  $K$  ضریب ثابت و برابر با ۱۰۰ است.

متغیر وابسته در دامنه‌ای بین ۰ تا ۱۰۰ در نوسان است. هرچه مقدار شاخص به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد گویای آن است که دختران بیشتری در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله ازدواج خود را به تأخیر انداخته‌اند. مقدار ۰ نشان می‌دهد که هیچ‌یک از دختران تا بازه سنی ۲۹-۲۵ ساله مجرد نمانده و همه ازدواج کرده‌اند.

متغیرهای مستقل شامل سطح توسعه شهرستان، عدم تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان، نسبت تجرد مردان ۳۴-۳۰ ساله و بیکاری مردان است. همه متغیرها در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شدند. درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مورد بررسی با استفاده از تحلیل عاملی شش مؤلفه یا شاخص شامل نسبت شهرنشینی، میزان باسوادی مردان و زنان، نسبت جمعیت دانش‌آموخته دانشگاهی مرد و زن و کیفیت مسکن (ساخته‌شده با اسکلت بتون آرمه و فلزی) اندازه‌گیری شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که متغیرهای مذکور از کفایت لازم در ساخت شاخص توسعه برخوردارند ( $KMO=0.777$  و معنی‌داری آزمون بارتلت). همچنین، متغیرهای مورد نظر ۶۴/۸ درصد واریانس عامل به‌دست‌آمده را تبیین کردند. نمره عاملی به‌دست‌آمده به صورت بین ۳+ و ۳- بود. برای رفع منفی بودن نمره‌های استاندارد و حذف ارقام اعشاری از نمره T یا نمره مک‌کال<sup>۱</sup> استفاده شد (رابطه ۲).

$$T = 10(z) + 50 \dots\dots\dots (2)$$

در این تبدیل، میانگین نمره برابر ۵۰، انحراف استاندارد برابر ۱۰ و دامنه نمره‌ها بین ۰ تا ۱۰۰ است. نمره‌های کم‌تر به معنای کم‌ترین سطح توسعه و نمره‌های بیشتر به معنای بالاترین سطح توسعه است.

1 McCall's

یکی دیگر از متغیرهای پژوهش، عدم تعادل در بازار ازدواج است که با استفاده از عدم-توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج اندازه‌گیری و از طریق رابطه ۳ عملیاتی شد:

$$IMS_{ct} = \frac{\sum_{20}^{34} PNMM_{ct}}{\sum_{15}^{29} PNMF_{ct}} \times K \dots\dots\dots (3)$$

که در آن  $IMS_{ct}$  شاخص عدم تعادل در بازار ازدواج در سرشماری ۱۳۹۵،  $\sum_{15}^{29} PNMF_{ct}$  جمعیت مردان هرگز ازدواج نکرده ۲۰-۳۴ ساله،  $\sum_{20}^{34} PNMM_{ct}$  جمعیت زنان هرگز ازدواج نکرده ۱۵-۲۹ ساله، و  $K$  ضریب ثابت و مساوی ۱۰۰ است. مقدار این شاخص بیانگر شمار مردان هرگز ازدواج نکرده ۲۰-۳۴ ساله در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن هرگز ازدواج نکرده ۱۵-۲۹ ساله است. در واقع، شاخص کلی نسبت جنسی افراد در سن ازدواج محاسبه شده است. علت تفاوت پنج سال گروه سنی برای مردان و زنان آن است که در ایران مردان هنگام ازدواج به طور متوسط حدود پنج سال از زنان بزرگ‌تر هستند (احمدی و همتی ۱۳۸۷). متغیر مستقل دیگر استقلال زنان است. تحصیلات و اشتغال در بازار کار دو شاخص غیرمستقیم مهم در اندازه‌گیری استقلال زنان هستند. شواهدی وجود دارد که هم تحصیلات و هم مشارکت در نیروی کار زنان با قدرت زنان در خانواده مرتبط هستند (جی جی بوی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ عباسی شوازی و خواجه صالحی، ۱۳۹۲). در این مقاله، استقلال زنان بر اساس دو شاخص تحصیلات دانشگاهی و مشارکت اقتصادی در بازار کار (محاسبه شده از طریق تقسیم جمعیت زنان فعال (شاغل و بیکار در جستجوی کار بر کل جمعیت زنان در سنین فعالیت) عملیاتی شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که این دو متغیر حدود ۶۳ درصد واریانس استقلال زنان را تبیین می‌کنند. دامنه نمره‌های این شاخص بین ۰ تا ۱۰۰ در نوسان است. نمره‌های پایین‌تر به معنای میزان کم‌تر استقلال و نمره‌های بیشتر به معنای میزان بالاتر استقلال زنان است.

### یافته‌های تحقیق

#### تغییرات زمان‌بندی ازدواج در ایران

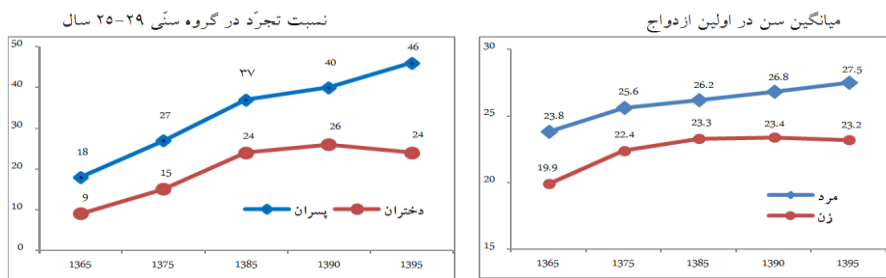
افزایش سن ازدواج پدیده‌ای عمومی است که در بیشتر نقاط جهان از جمله کشورهای آسیایی و ایران اتفاق افتاده است. اگرچه در دهه ۱۹۷۰ میانگین سن ازدواج زنان در هیچ‌یک از

1 Jejeebhoy

کشورهای آسیایی به ۲۵ سال نمی‌رسید، اما در دهه ۲۰۰۰، حدود ۳۰ درصد این کشورها میانگین سن ازدواج زنان به ۲۵ سال یا بیشتر رسید (ترابی و همکاران ۲۰۱۳). در ایران نیز هرچند هنوز میانگین سن ازدواج زنان کمتر از ۲۵ سال است، اما در سه دهه اخیر این شاخص از ۲۰ به ۲۳ سال برای زنان و از ۲۴ به ۲۸ سال برای مردان افزایش یافته است.

در ایران، هرچند عمومیت ازدواج بالاست، اما امروزه این واقعه مهم زندگی با تأخیر اتفاق می‌افتد. بررسی وضعیت ازدواج در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال به‌طور خاص بیانگر افزایش نسبت‌های تجرد و تأخیر در ازدواج است. نسبت تجرد پسران در سه دهه اخیر در این گروه سنی از ۱۸ به ۴۶ درصد و برای دختران از ۹ به ۲۴ درصد افزایش یافته است (نمودار ۱).

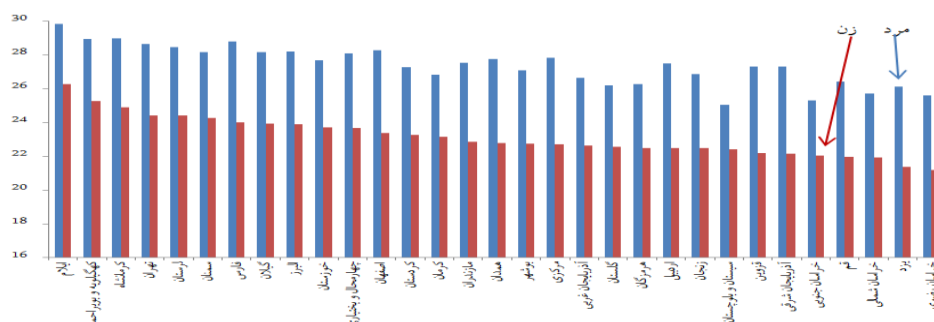
نمودار ۱. روند تحولات زمان‌بندی ازدواج در ایران در سه دهه اخیر، ۱۳۶۵-۱۳۹۵



منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری‌های جمعیتی کشور، ۱۳۶۵-۱۳۹۵.

تفاوت‌های استانی محسوسی در زمان‌بندی ازدواج وجود دارد. همان‌طور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود استان‌های غربی کشور نظیر ایلام، کرمانشاه و کهگیلویه و بویراحمد بالاترین سن ازدواج را تجربه می‌کنند. این در حالی است که استان‌های شرقی کشور نظیر خراسان‌های جنوبی، شمالی و رضوی و سیستان و بلوچستان از پایین‌ترین سن ازدواج برخوردارند.

نمودار ۲. تفاوت‌های استانی در میانگین سن ازدواج مردان و زنان، ۱۳۹۵



منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵.

## توصیف متغیر وابسته: تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران

نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۵ میانگین شاخص تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های مورد بررسی حدود ۲۴ درصد بوده است. در واقع، از هر صد دختر ایرانی به طور متوسط حدود یک پنجم ازدواج خود را تا بازه سنی ۲۹-۲۵ سال به تأخیر انداخته‌اند. جدول ۱، گروه‌بندی شهرستان‌های ایران را برحسب شاخص تأخیر در ازدواج دختران نشان می‌دهد. تفاوت‌های شهرستانی در شاخص تجرد دختران قابل ملاحظه است. در بیشتر (حدود ۶۷ درصد) شهرستان‌ها نسبت تجرد دختران پایین و خیلی پایین است. شاخص تجرد در این گروه از شهرستان‌ها از دست کم ۶۱ درصد تا حداکثر ۲۳ درصد در نوسان است. نتایج نشان می‌دهد که از میان ۴۲۸ شهرستان مورد بررسی، حدود ۱۰ درصد را شهرستان‌هایی تشکیل می‌دهند که نسبت تجرد دختران در آن‌ها بالا و خیلی بالاست. میانگین شاخص تأخیر در ازدواج دختران در این گروه از شهرستان‌ها ۳۹/۶ درصد و نسبت تجرد آن‌ها از ۳۱/۴ درصد تا ۴۸ درصد در نوسان است. بر پایه اطلاعات مندرج در جدول ۱، در حدود یک چهارم از شهرستان‌های مورد بررسی، دختران در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله همچنان مجرد مانده‌اند.

جدول ۱. توزیع شهرستان‌های ایران برحسب شاخص تأخیر در ازدواج دختران در سرشماری ۱۳۹۵

سطوح متغیر وابسته	نسبت تجرد دختران ۲۵-۲۹ ساله (%)		فراوانی
	میانگین	مطلق	
خیلی پایین	۶۱/۴-۱۴/۶۸	۱۰/۵	۱۶/۶
پایین	۱۴/۲۳-۶۹/۰۱	۱۸/۸	۵۰/۲
متوسط	۲۳/۳۱-۰۲/۳۵	۲۷/۲	۲۴/۱
بالا	۳۱/۳۹-۳۶/۶۸	۳۵/۵	۷/۰
خیلی بالا	۳۹/۴۸-۶۹/۰۱	۴۳/۸	۲/۱
کل	--	۲۱/۳	۱۰۰/۰

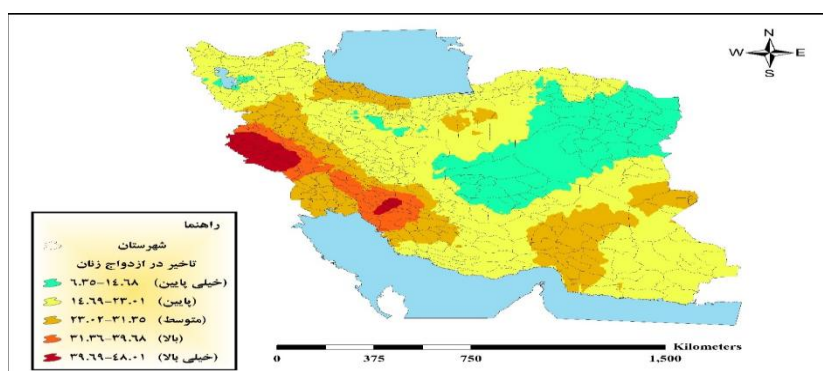
جدول ۲، توزیع شهرستان‌های با کم‌ترین و بیشترین تأخیر در ازدواج دختران را نشان می‌دهد. دسته نخست شامل شهرستان‌هایی است که کم‌تر از ۱۰ درصد دختران ۲۹-۲۵ ساله آن‌ها در سرشماری ۱۳۹۵ هرگز ازدواج نکرده بوده‌اند. این گروه که تنها ۲/۸ درصد شهرستان‌های مورد بررسی را شامل می‌شود، بیشتر شهرستان‌هایی از استان یزد را در بر می‌گیرد. هفت شهرستان از مجموع ۱۲ شهرستان این گروه در استان یزد واقع شده‌اند. در این گروه، شهرستان بافق با ۶/۳ درصد کم‌ترین تأخیر در ازدواج دختران را داشته است. پس از آن، شهرستان‌های خلیل‌آباد در استان خراسان رضوی با ۷/۴ درصد و سیب و سوران در استان سیستان و بلوچستان با ۷/۵ درصد قرار می‌گیرند.

بر پایه نتایج این بررسی بیش از نصف (پنج شهرستان از نه شهرستان) شهرستان‌هایی که بیش از ۴۰ درصد دختران ۲۹-۲۵ ساله آن‌ها در سرشماری ۱۳۹۵ مجرد بوده‌اند در استان‌های غربی ایران واقع شده‌اند. شهرستان گیلانغرب در استان کرمانشاه با حدود ۴۸ درصد بیشترین تأخیر در ازدواج دختران را دارد. از میان شهرستان‌های این گروه، به ترتیب چهار شهرستان سیروان با ۴۵/۷ درصد، بدره با ۴۵ درصد، ایوان با ۴۲/۲ درصد و آبدانان با ۴۰/۲ درصد در استان ایلام واقع شده‌اند (جدول ۲). طبق یافته‌ها، تأخیر در ازدواج دختران در ایران از الگوی جغرافیایی خاصی پیروی می‌کند. شکل ۲، توزیع فضایی تأخیر در ازدواج دختران تا سن ۳۰ سالگی را در شهرستان‌های مورد بررسی در سال ۱۳۹۵ به تصویر می‌کشد.

جدول ۲. شهرستان‌های با کم‌ترین و بیشترین تأخیر در ازدواج دختران، ایران: ۱۳۹۵

ردیف	شهرستان	کم‌ترین تأخیر در ازدواج (%)	بیشترین تأخیر در ازدواج (%)
۱	باقق	۶/۳۵	درصد دختران مجرد ۲۵-۲۹ ساله
۲	خلیل‌آباد	۷/۴۳	شهرستان
۳	سیب و سوران	۷/۴۹	بدره
۴	اشتهارد	۷/۶۹	سمنان
۵	اردکان	۸/۲۹	چرام
۶	اشکذر	۸/۴۴	ایوان
۷	گرمه	۹/۱۱	باشت
۸	بهباد	۹/۵۶	رستم
۹	مهریز	۹/۶۱	آبدانان
۱۰	بجستان	۹/۶۶	
۱۱	میبد	۹/۶۷	
۱۲	ابرکوه	۹/۶۱	

شکل ۲. نمایش فضایی تأخیر در ازدواج دختران تا ۳۰ سالگی در شهرستان‌های ایران، ۱۳۹۵



منبع: بر اساس محاسبات نویسندگان

همان‌طور که می‌بینید، همه شهرستان‌هایی که سطوح بالا و خیلی بالایی از تأخیر در ازدواج دختران را تجربه کرده‌اند در استان‌های غرب و جنوب غرب کشور واقع شده‌اند. به‌استثنای چند شهرستان در استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان، سمنان، گیلان و آذربایجان شرقی، از نظر جغرافیایی شهرستان‌های دارای سطوح متوسطی از نسبت تجرد دختران بیشتر در غرب و جنوب غرب کشور واقع شده‌اند. در مقابل، بیشتر شهرستان‌های واقع در شمال، شمال غرب، شمال شرق، مرکز، شرق و جنوب شرق کشور سطوح پایین و خیلی پایینی از تأخیر در ازدواج دختران را در سرشماری ۱۳۹۵ تجربه کرده‌اند. بر اساس این نتایج می‌توان گفت الگوی فرهنگی خاصی بر توزیع جغرافیایی تأخیر در ازدواج دختران در ایران حاکم است.

### توصیف متغیرهای مستقل

نتایج گویای آن است که در سال ۱۳۹۵، ۱۷/۶ درصد مردان شهرستان‌های ایران از زمان ورود به بازار ازدواج به‌طور متوسط تا سنین ۳۰-۳۴ سالگی مجرد مانده‌اند. این متغیر از دست‌کم ۳/۲ درصد در شهرستان خواف تا ۴۲/۸ درصد در شهرستان سیروان در نوسان است. تنها در شش درصد شهرستان‌های مورد بررسی نسبت تجرد مردان ۳۰-۳۴ ساله در سطح بالاست. میانگین نسبت تجرد مردان در این گروه از شهرستان‌ها ۳۶/۲ درصد است. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۳، میانگین نمره توسعه شهرستان‌های مورد بررسی ۵۰ است. حدود ۱۹ درصد شهرستان‌ها در سطح بالایی از توسعه هستند (جدول ۳). شهرستان‌های تهران، کنگان و بوشهر به‌ترتیب با نمره ۷۹/۳۵، ۷۴/۷ و ۷۲/۹ در بالاترین سطح توسعه و شهرستان‌های سرباز، قصرقند و مهرستان در استان سیستان و بلوچستان به‌ترتیب با نمره ۱۸/۵، ۲۳/۲ و ۲۳/۶ کم‌توسعه‌یافته‌ترین شهرستان‌ها در بین ۴۲۸ شهرستان مورد بررسی‌اند.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل در شهرستان‌های ایران، ۱۳۹۵

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	فراوانی
نسبت تجرد مردان	۳/۲	۴۲/۸	۱۷/۶	۷/۵	۴۲۸
درجه توسعه‌یافتگی	۱۸/۵	۷۹/۳	۵۰/۰	۱۰/۰	۴۲۸
استقلال زنان	۲۷/۶	۷۸/۹	۴۹/۹	۹/۹	۴۲۸
بیکاری مردان	۲/۸	۳۲/۳	۱۰/۸	۴/۳	۴۲۸
عدم تعادل در بازار ازدواج	۵۸/۸	۳۵۶/۸	۱۳۱/۶	۳۱/۶	۴۲۸

توزیع شهرستان‌ها بر اساس شاخص استقلال زنان از یک نابرابری عمیق میان شهرستان‌های مورد بررسی حکایت دارد. میانگین شاخص استقلال زنان حدود ۵۰ و کمینه و

بیشینه آن بین ۲۷/۶ و ۷۸/۹ در نوسان است. شهرستان‌های مسجدسلیمان، چرداول و شهر بابک به ترتیب با نمره ۷۸/۹، ۷۸/۲ و ۷۸/۱، بیشترین و شهرستان‌های سرعین، کیودرآهنگ و بهار به ترتیب با نمره ۲۷/۷، ۲۸/۷ و ۲۹/۰ کم‌ترین سطح استقلال زنان را داشته‌اند. نتایج نشان داد که تنها حدود ۱۲ درصد شهرستان‌های موردبررسی در سطح بالایی از استقلال زنان می‌باشند. میانگین بیکاری مردان در شهرستان‌های موردبررسی حدود ۱۱ درصد است. این شاخص در دامنه‌ای بین ۲/۸ درصد تا کمی بیش از ۳۲ درصد در نوسان است. شهرستان‌های نیر، ایجرود و عسلویه به ترتیب با ۲/۸، ۳/۰ و ۳/۴ درصد کم‌ترین و شهرستان‌های ثلاث باباجانی، اسلام‌آباد غرب و فارسان به ترتیب با ۳۲/۳، ۳۲/۰ و ۲۹/۳ درصد بیشترین میزان بیکاری مردان را تجربه کرده‌اند. نتایج بیانگر آن است که در بیش از ۷۶ درصد شهرستان‌های موردبررسی بیکاری مردان در سطح پایین بوده است. این بررسی نشان داد که حدود ۸۸ درصد شهرستان‌های ایران شاخص نسبت جنسی در سنین ازدواج بالاتر از ۱۰۰ است. به بیان دیگر، در این شهرستان‌ها به ازای هر ۱۰۰ زن ۲۹-۱۵ ساله مجرد شمار بیشتری مرد ۳۴-۲۰ ساله مجرد وجود دارد. حدود ۱۲ درصد شهرستان‌ها مقدار این شاخص کم‌تر از ۱۰۰ (یعنی به ضرر زنان) است. بنابراین، می‌توان گفت در بیشتر شهرستان‌های کشور عدم تعادل در بازار ازدواج به ضرر مردان است. شهرستان‌های عسلویه، اشکدز و کنگان به ترتیب با حدود ۳۵۷، ۲۸۴ و ۲۷۶ مرد مجرد ۳۴-۲۰ ساله در مقابل هر ۱۰۰ زن ۲۹-۱۵ ساله، بیشترین عدم تعادل در بازار ازدواج را به ضرر مردان داشته‌اند. این شهرستان‌ها در شمار شهرستان‌های مهاجرپذیر کشورند. در گروه دوم از شهرستان‌های موردبررسی، بیشترین عدم تعادل در بازار ازدواج به ضرر زنان مربوط به شهرستان‌های سیب و سوران، راز و جرگلان و مهرستان به ترتیب با ۵۹، ۶۱ و ۶۲ مرد مجرد ۳۴-۲۰ ساله در مقابل هر ۱۰۰ زن مجرد ۲۹-۱۵ ساله است.

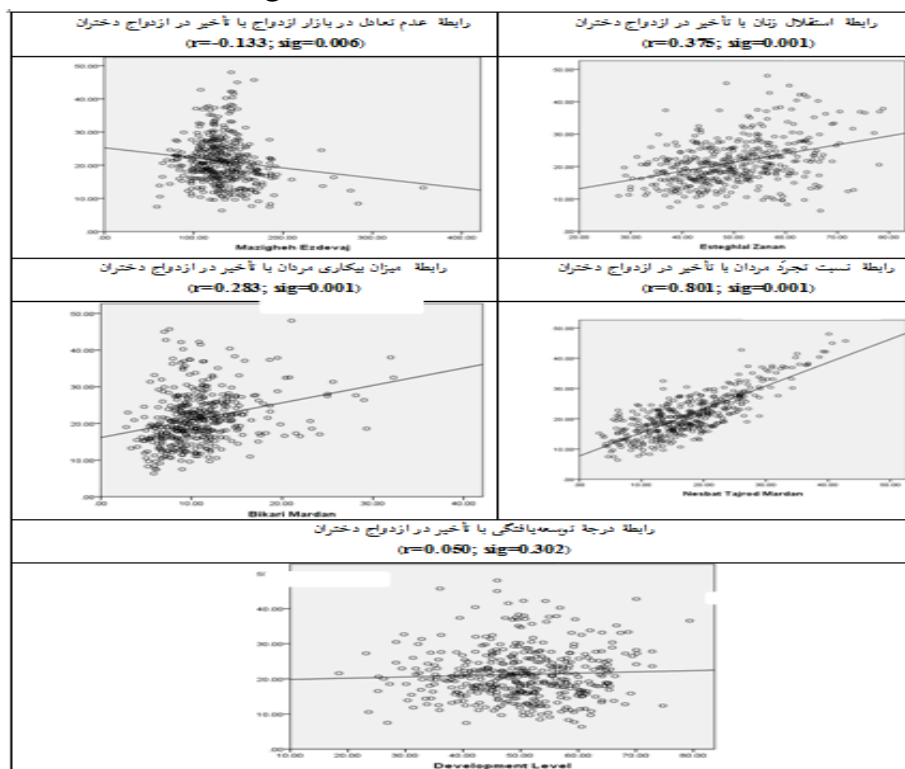
### تحلیل دو متغیره

نمودار ۳، رابطه هر یک از متغیرهای مستقل را با تأخیر در ازدواج دختران نشان می‌دهد. براین اساس، همه متغیرهای موردبررسی، به استثنای عدم تعادل در بازار ازدواج (به ضرر مردان)، رابطه مثبت و معناداری با تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های کشور دارند. نسبت تجرد مردان ۳۴-۳۰ ساله، استقلال زنان، بیکاری مردان و عدم تعادل در بازار ازدواج به ترتیب بیشترین ضریب همبستگی را با تأخیر در ازدواج دختران دارند. جهت رابطه عدم تعادل در بازار ازدواج (به ضرر مردان)، منفی و سایر متغیرها مثبت است. به بیان دیگر، با افزایش عدم



تبادل در بازار ازدواج به ضرر مردان، تأخیر در ازدواج دختران کاهش می‌یابد. در مقابل، انتظار می‌رود با افزایش نسبت تجرد مردان، استقلال زنان، بیکاری مردان و سطح توسعه‌یافتگی شهرستان دختران بیشتری ازدواج خود را به تأخیر بیندازند.

نمودار ۳. رابطه دومتغیره متغیرهای مستقل با تأخیر در ازدواج دختران، ۱۳۹۵



### تحلیل چندمتغیره

اکنون می‌خواهیم نشان دهیم که متغیرهای مستقل تا چه اندازه می‌توانند تغییرات تأخیر در ازدواج دختران را در شهرستان‌های موردبررسی توضیح دهند. برای این منظور از تکنیک رگرسیون چندگانه استفاده شد (جدول ۴).

مقدار  $t$  و سطح معناداری متغیرهای مستقل موردبررسی نشان می‌دهد که تأثیر آنها بر تأخیر در ازدواج دختران معنادار است. اطلاعات مندرج در جدول ۴ از یک همبستگی قوی ( $0/888$ ) بین متغیرهای مستقل موردبررسی و تأخیر در ازدواج دختران حکایت دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌یافته ( $0/787$ ) گویای آن است که متغیرهای مستقل موردبررسی حدود ۷۹ درصد تغییرات تأخیر در ازدواج دختران را توضیح می‌دهند. بنابراین، حدود ۲۱ درصد

تغییرات باقی مانده توسط متغیرهای خارج از مدل تبیین می شود. مقدار آماره  $F(315/61)$  در سطح خطای کم تر از ۰/۰۱ نشان می دهد که مدل قادر است به مقدار زیادی تغییرات تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان های مورد بررسی را پیش بینی کند.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه عوامل مؤثر بر تأخیر در ازدواج دختران در ایران، ۱۳۹۵

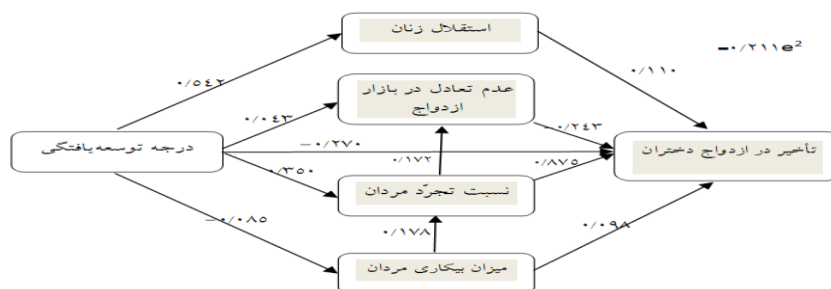
عناصر رگرسیون و متغیرها	ضریب های استاندارد نشده		ضریب های استاندارد شده	
	B	انحراف معیار	$\beta$	T
مقدار ثابت	۱۷/۷	۱/۳۱۷	---	۱۳/۴۴
نسبت تجرد مردان	۰/۸۴۳	۰/۰۲۵	۰/۸۷۵	۳۳/۰۱
درجه توسعه یافتگی	-۰/۱۹۴	۰/۰۲۰	-۰/۲۷۰	-۹/۸۵
عدم تعادل در بازار ازدواج	-۰/۰۵۵	۰/۰۰۵	-۰/۲۴۳	-۱۰/۱۱
استقلال زنان	۰/۰۷۹	۰/۰۲۱	۰/۱۱۰	۳/۷۶
میزان بیکاری مردان	۰/۱۶۴	۰/۰۳۹	۰/۰۹۸	۴/۲۵
	ضریب همبستگی چندگانه $(R) = ۰/۸۸۸$		ضریب تعیین $(R^2) = ۰/۷۸۹$	
	ضریب تعیین تعدیل یافته $(R^2, Adj) = ۰/۷۸۷$		آماره $F(315/61)$ (Sig = ۰/۰۰۱)	

ضریب بتای استاندارد شده نسبت تجرد مردان ۳۴-۳۰ ساله (۰/۸۷۵) نشان می دهد که با کنترل اثر سایر متغیرها به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در نسبت تجرد مردان، تأخیر در ازدواج دختران (نسبت تجرد دختران ۲۹-۲۵ ساله) به میزان ۰/۸۷۵ انحراف استاندارد افزایش می یابد. مقدار  $t(33/01)$  در سطح خطای کم تر از ۰/۰۰۱ وجود رابطه بین دو متغیر یاد شده را با کنترل سایر متغیرها تأیید می کند. سطح توسعه شهرستان ها دومین تعیین کننده تأخیر در ازدواج دختران در کنار سایر متغیرهاست. البته، تأثیر این متغیر معکوس است، به این معنی که با افزایش یک نمره استاندارد در شاخص توسعه شهرستان ها، تأخیر در ازدواج دختران به مقدار ۰/۲۷۰ انحراف استاندارد کاهش می یابد. تأثیر عدم تعادل در بازار ازدواج نیز منفی است. مقدار بتای استاندارد (-۰/۲۴۳) نشان می دهد که با کنترل سایر متغیرها به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در عدم تعادل در بازار ازدواج به ضرر مردان، تأخیر در ازدواج دختران به مقدار ۰/۲۴۳ انحراف استاندارد کاهش می یابد. بنابراین، با افزایش عدم تعادل در بازار ازدواج به ضرر مردان، شانس ازدواج دختران افزایش خواهد یافت.

تحلیل های چندمتغیره نشان می دهد که در صورت کنترل سایر متغیرها چنانچه استقلال زنان یک واحد افزایش یابد، تأخیر در ازدواج دختران به مقدار ۰/۰۷۹ درصد افزایش می یابد. ضریب رگرسیونی بتای استاندارد شده برای این متغیر (۰/۱۱۰) نشان می دهد که چنانچه استقلال زنان یک نمره استاندارد افزایش یابد، تأخیر در ازدواج دختران به اندازه ۰/۱۱۰ نمره

استاندارد افزایش خواهد یافت. آماره  $t (3/76)$  در سطح خطای کم‌تر از  $0/001$  نشان می‌دهد که تأثیر مشاهده‌شده از لحاظ آماری معنادار است. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۴، بیکاری مردان نیز تأثیر مثبت و معناداری بر تأخیر در ازدواج دختران دارد. ضریب رگرسیونی بنای استاندارد شده ( $0/098$ ) گویای آن است که اگر میزان بیکاری مردان به مقدار یک نمره استاندارد افزایش یابد، تأخیر در ازدواج دختران به مقدار  $0/098$  انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. بنابراین، نتایج رگرسیون چندمتغیره بیانگر آن است که نسبت تجرد مردان  $34-$  ساله، درجه توسعه‌یافتگی شهرستان، عدم تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان و میزان بیکاری مردان به ترتیب بیشترین تأثیر را بر تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران دارند. به منظور بررسی تأثیرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شد (نمودار ۴). همان‌طور که در مدل نظری نیز آمده بود، توسعه از طریق اثرگذاری بر متغیرهای واسطه نظیر استقلال زنان، نسبت تجرد مردان، بیکاری مردان و عدم تعادل در بازار ازدواج موجب تأخیر در ازدواج دختران می‌شود. نمودار تحلیل مسیر (نمودار ۴) بیانگر آن است که با افزایش میزان توسعه‌یافتگی شهرستان، دو متغیر استقلال زنان و نسبت تجرد مردان که هر دو آن‌ها نیز اثر افزایشی بر تأخیر ازدواج دارند افزایش می‌یابد. در مقابل، توسعه دو اثر کاهشی بر تأخیر در ازدواج دختران دارد و آن بدین طریق است که با توسعه‌یافتگی، عدم تعادل در بازار ازدواج به دلیل مهاجرپذیری بیشتر مردان شکل می‌گیرد و این وضعیت می‌تواند میزان تأخیر در ازدواج دختران را کاهش دهد. همچنین، با افزایش میزان بیکاری مردان، تأخیر در ازدواج دختران کاهش می‌یابد. در این زمینه، توسعه از طریق کاهش میزان بیکاری مردان می‌تواند منجر به کاهش تأخیر در ازدواج دختران شود.

نمودار ۴. نمودار مسیر عوامل مؤثر بر تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران: ۱۳۹۵



جدول ۵، تأثیرهای مستقیم، غیرمستقیم و مجموع تأثیر متغیرهای مستقل را بر تأخیر در ازدواج دختران نشان می‌دهد. نتایج تحلیل مسیر بیانگر آن است که حدود ۷۹ درصد تغییرات

تأخیر در ازدواج دختران توسط متغیرهای موجود در مدل و ۲۱ درصد باقی مانده ( $e^2=0/211$ ) توسط عوامل دیگری غیر از متغیرهای مورد بررسی تبیین می شود.

جدول ۵. میزان تأثیرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر تأخیر در ازدواج دختران در

شهرستان های ایران، ۱۳۹۵

متغیر	تأثیر	
	مستقیم	غیرمستقیم
نسبت تجرد مردان	۰/۸۷۵	-۰/۰۴۲
درجه توسعه یافتگی	-۰/۲۷	۰/۳۳۳
عدم تعادل در بازار ازدواج	-۰/۲۴۳	---
استقلال زنان	۰/۱۱۰	---
میزان بیکاری مردان	۰/۰۹۸	-۰/۰۰۷
کل	۰/۸۳۳	---

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۵، مؤثرترین متغیرها بر تأخیر در ازدواج دختران به ترتیب عبارتند از: نسبت تجرد مردان ۳۰-۳۴ ساله، عدم تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان، میزان بیکاری مردان و سطح توسعه شهرستان. از میان این متغیرها، تأثیر کل سطح توسعه شهرستان، نسبت تجرد مردان ۳۰-۳۴ ساله، استقلال زنان و میزان بیکاری مردان بر تأخیر در ازدواج دختران مثبت و تأثیر عدم تعادل در بازار ازدواج به ضرر مردان منفی است. در واقع، انتظار می رود با افزایش سطح توسعه شهرستانها، نسبت تجرد مردان ۳۰-۳۴ ساله و استقلال زنان افزایش و در نتیجه، نسبت بیشتری از دختران مجرد بمانند و ازدواج خود را به تأخیر بیندازند. در مقابل، وقتی عدم تعادل در بازار ازدواج به ضرر مردان است، یعنی در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن ۲۹-۱۵ ساله بیشتر از ۱۰۰ مرد ۲۰-۳۴ ساله قرار می گیرد، شانس ازدواج دختران افزایش و تأخیر در ازدواج آنها کاهش می یابد.

### بحث و نتیجه گیری

در ایران نهاد خانواده در طول چند دهه گذشته دگرگونی های عمیقی در حوزه های نگرشی و رفتاری تجربه کرده است. یکی از ابعاد این تحولات، طولانی شدن دوران تجرد نسل جوان و تأخیر در ازدواج و تشکیل خانواده است. پرسش اصلی این مقاله این بود: وضعیت تأخیر در ازدواج دختران در پهنه جغرافیایی ایران چگونه است و عوامل و تعیین کننده های آن کدامند؟ جمعیت آماری همه شهرستان های ایران در سرشماری ۱۳۹۵ و واحد تحلیل شهرستان بود. نویسندگان مقاله با تدارک یک چارچوب نظری بر اساس ترکیبی از نظریه های نوسازی،

ساختار اجتماعی، انتخاب عقلانی و اجتناب از خطر، به بررسی تأثیر عواملی نظیر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، استقلال زنان، میزان بیکاری مردان، نسبت تجرد مردان ۳۴-۳۰ ساله و عدم تعادل در بازار ازدواج بر تأخیر در ازدواج دختران پرداختند.

نتایج نشان داد که در سال ۱۳۹۵، میانگین شاخص نسبت تجرد دختران ۲۹-۲۵ ساله در شهرستان‌های مورد بررسی حدود ۲۴ درصد و در دامنه‌ای بین ۱۰/۵ درصد تا ۴۳/۸ درصد در نوسان بوده است. کم‌ترین نسبت تجرد دختران مربوط به شهرستان‌های بافق در استان یزد، خلیل‌آباد در استان خراسان رضوی و سیب و سوران در استان سیستان و بلوچستان بود. در مقابل، بالاترین نسبت تجرد در شهرستان‌های غربی کشور مشاهده شد. گیلانغرب در استان کرمانشاه با ۴۸ درصد و سیروان و بدره در استان ایلام به ترتیب با ۴۵/۷ و ۴۵ درصد بیشترین تأخیر در ازدواج دختران را داشتند. به‌طور کلی، نمایش فضایی تأخیر در ازدواج دختران نشان داد که شهرستان‌های واقع در استان‌های غربی کشور بیشترین و شهرستان‌های واقع در شرق و جنوب شرق کشور کم‌ترین تأخیر در ازدواج را داشته‌اند.

نتایج تحلیل‌های چندمتغیره نشان داد که نسبت تجرد مردان، عدم تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان، میزان بیکاری مردان و درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین تأخیر در ازدواج دختران دارند. از یافته‌های این پژوهش چنین برمی‌آید که سطح توسعه‌یافتگی شهرستان یکی از عواملی است که از مسیرهای متفاوت می‌تواند بر تأخیر در ازدواج دختران تأثیر بگذارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های نای‌پنگ (۲۰۰۷)، محمدپور و همکاران (۱۳۸۸) و نظریه نوسازی همخوانی دارد. با افزایش میزان توسعه‌یافتگی شهرستان، دو متغیر استقلال زنان و نسبت تجرد مردان که هردوی آن‌ها نیز اثر افزایشی بر تأخیر ازدواج دارند افزایش می‌یابد. در مقابل، توسعه دو اثر کاهشی بر تأخیر در ازدواج دختران دارد و آن بدین طریق است که با توسعه‌یافتگی، عدم تعادل در بازار ازدواج به دلیل مهاجرپذیری بیشتر مردان شکل می‌گیرد و این وضعیت می‌تواند میزان تأخیر در ازدواج دختران را کاهش دهد. همچنین، با افزایش میزان بیکاری مردان، تأخیر در ازدواج کاهش می‌یابد. در این زمینه، توسعه از طریق کاهش میزان بیکاری مردان می‌تواند به کاهش تأخیر در ازدواج دختران منجر شود.

بر اساس نتایج، افزایش میزان بیکاری و نسبت تجرد مردان از تعیین‌کننده‌های مهم تأخیر در ازدواج دختران هستند. این یافته با نتایج بررسی‌های دیگر (اسکالر، ۲۰۱۳؛ صادقی، ۱۳۸۶؛ صادقی و شکفته گوه‌ری، ۱۳۹۵؛ ترابی و مسگرزاده، ۱۳۹۵) همخوانی دارد. همچنین، نظریه اجتناب از خطر نیز این یافته را پشتیبانی می‌کند. این نظریه انگیزه‌های فردی رفتار افراد را در

چارچوب اقتصادی تبیین می‌کند و مدعی است که افراد زمانی که در شرایط ناامنی اقتصادی و عدم قطعیت بالا قرار دارند از ریسک‌های غیرضروری در زندگی اجتناب می‌کنند. مک‌دونالد و اوانس (۲۰۰۲) می‌گویند افراد به‌منظور محافظت از خود در برابر خطر باید ابزارهای خود برای بازار را افزایش دهند. همچنین، در شرایطی که بازار به‌شدت رقابتی و موقعیت‌های شغلی ثبات کافی ندارند، ریسک ازدواج و تشکیل خانواده افزایش می‌یابد. در این شرایط، افراد ترجیح می‌دهند که زمان بیشتری را به تحصیل اختصاص دهند و امنیت شغلی خود را افزایش دهند. علاوه‌براین‌ها، نتایج نشان داد که با افزایش مشارکت زنان در تحصیلات عالی و بازار کار که از پیامدهای توسعه و نوسازی است، تأخیر در ازدواج دختران افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج بررسی‌های دیگر (ایکاماری، ۲۰۰۵؛ هاشیموتو و کوندو، ۲۰۱۲؛ ترابی و همکاران، ۲۰۱۳؛ حسینی و گراوند، ۱۳۹۲) همخوانی دارد. بهبود وضع سواد و افزایش سطح تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات دختران، موجب شده است تا دختران زمان بیشتری را در مدرسه و دانشگاه بگذرانند و به‌تبع آن، انگیزه ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر را داشته و پس از اتمام تحصیلات در جستجوی اشتغال و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی خارج از منزل باشند. در واقع، انتظارات جوانان برای ازدواج تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در نتیجه، زمانی را که برای تحصیل و کاریابی صرف می‌کنند موجب تأخیر در ازدواج می‌شود. از سوی دیگر، افزایش اشتغال زنان به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های استقلال زنان موجب افزایش استقلال اقتصادی آن‌ها و در نتیجه افزایش استقلال در تصمیم‌گیری می‌شود. آن‌ها به‌خاطر وابستگی اقتصادی و اجتماعی به مردان اقدام به ازدواج نخواهند کرد. این امر به‌نوبه خود باعث می‌شود زنان ازدواج را به تأخیر بیندازند. از منظر نظریه اجتناب‌ازخطر، زنان به‌منظور محافظت از خود در برابر خطر باید ابزارهای خود برای بازار کار را افزایش دهند. این بدان معناست که افراد نیاز به تمرکز برای کسب مهارت‌های قابل‌ارائه، تجربه کاری و شهرت دارند. در عین حال، آن‌ها باید پس‌انداز کنند یا ثروت را به‌عنوان یک شبکه امنیتی شخصی ذخیره کنند. بنابراین، از طریق تغییر وضع سواد و بهبود سطح تحصیلات، برای بهبود وضعیت شغلی و افزایش مشارکت اقتصادی تلاش می‌کنند. از سوی دیگر، در شرایطی که بازار به‌شدت رقابتی و موقعیت‌های شغلی ثبات کافی ندارند، ریسک ازدواج و تشکیل خانواده افزایش می‌یابد. در این شرایط، زنان و مردان ترجیح می‌دهند که زمان بیشتری را به تحصیل اختصاص دهند و امنیت شغلی خود را افزایش دهند.

بدین ترتیب، تأخیر ازدواج در کشور را می‌توان به عوامل ساختاری گوناگون مانند گسترش شهرنشینی، افزایش تحصیلات، عدم تعادل در شمار زنان و مردان در معرض ازدواج و تغییرات نگرشی و ایده‌ای مرتبط دانست. افزایش تحصیلات، به‌ویژه در مورد دختران، از عوامل مهمی است که می‌تواند با افزایش سنوات تحصیل، گذار جوانان به نقش‌های بزرگ‌سالی مانند همسری را به‌تعویق اندازد و نیز از طریق ارائه منابع اطلاعاتی جدید، الگوهای نگرشی و رفتاری جوانان را تحت تأثیر قرار دهد. از این نکته نیز نمی‌توان غافل بود که گسترش ارتباطات و افزایش دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی متنوع و متعدد، تغییر نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با ازدواج را تسریع نموده است. گسترش شهرنشینی و تغییر الگوی بازار کار، انتقال بین‌نسلی اشتغال را منقطع ساخته و استقلال مالی و معیشتی مردان جوان را به‌تعویق انداخته است. گسترش الگوی خانوار هسته‌ای که در آن هم‌سکنایی زوجین جوان با والدین رایج نیست از جمله عواملی است که به‌ویژه در شرایط تورم اقتصادی و افزایش بهای مسکن می‌تواند تأمین یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای شروع یک زندگی جدید را با مشکل روبرو سازد. برجسته‌شدن نقش جوانان در انتخاب همسر و افزایش مخاطره‌پذیری ازدواج در اثر گسترش طلاق نیز از جمله عواملی است که فرایند جستجو برای یافتن همسر مناسب را پیچیده‌تر و طولانی‌تر ساخته است. عدم وجود سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یکپارچه و طولانی‌مدت در جهت تسهیل فرایند همسرگزینی و تشکیل خانواده را نیز می‌تواند در تأخیر ازدواج جوانان سهم دانست (عباسی‌شوازی و همکاران ۱۳۹۶).

فرهنگ‌سازی و تقویت بنیان‌های فرهنگی جهت کاهش هزینه‌های ازدواج، توسعه اقتصادی و افزایش اشتغال‌زایی در جامعه، نظارت بر مهاجرت‌های بی‌رویه و توسعه ناموزون شهرهای بزرگ، توسعه خدمات حمایتی و نظارتی در مورد خانواده‌های آسیب‌پذیر و ایجاد مراکز مشاوره قبل از ازدواج به میزان خیلی زیادی می‌تواند در کاهش سن ازدواج دختران نقش داشته باشد. در راستای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت، برای افزایش سطح باروری دست‌کم تا سطح جایگزین‌بازائه برنامه‌هایی با هدف تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده ضروری است. زنان نیمی از نیروی کار بالقوه جامعه را تشکیل می‌دهند. استفاده از دانش، تخصص و توانایی‌های آن‌ها به توسعه اجتماعی و رونق اقتصادی منجر خواهد شد. بنابراین، به‌طورهم‌زمان اتخاذ سیاست‌های همسو و موافق با خواسته‌ها و تمایلات زنان و کاهش بیکاری مردان می‌تواند در کاهش تأخیر ازدواج دختران مؤثر باشد.

## منابع

- احمدی، وکیل، رضا همتی (۱۳۸۷). بررسی وضعیت مضیقۀ ازدواج در ایران (بر اساس سرشماری ۱۳۸۵)، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۶۴-۴۳.
- اسکندری چراتی، آذر (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان، *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان*، سال چهارم، شماره ۳.
- بحیرائی، الهام، زهرا حضرتی صومعه (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۵۰-۱۳۷.
- التجائی، ابراهیم، مریم عزیززاده (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران یک مطالعه میان‌استانی، *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳، صص ۱۹-۱.
- ترابی، فاطمه (۱۳۹۱). تأخیر ازدواج در ایران: عوامل و پیامدها، *مجموعه مقالات همایش ملی جمعیت، تعالی و راهبردها*، جلد اول، تهران: سازمان ثبت‌احوال کشور.
- ترابی، فاطمه، عباس عسکری‌ندوشن (۱۳۹۱). پویایی ساختار سنی جمعیت و تغییرات ازدواج در ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال هفتم، شماره ۱۳، صص ۲۳-۵.
- ترابی، فاطمه، سجاد مسگرزاده (۱۳۹۵). جامعه مخاطره‌آمیز و میانگین سن زنان و مردان در نخستین ازدواج در ایران، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۵۱۲-۴۹۳.
- توده فلاح، معصومه، شهلا کاظمی‌پور (۱۳۸۹). بررسی تأثیر نوسازی بر سن ازدواج با تأکید بر شاخص‌های جمعیت‌شناختی ازدواج در سطح کشور و هفت استان منتخب ۱۳۸۵، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۳۱-۱۰۵.
- حبیب‌پور گنابادی، کرم، غلامرضا غفاری (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۳۴-۷.
- حسینی، حاتم (۱۳۹۲). *جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده*، چاپ پنجم، همدان: مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا.
- حسینی، حاتم، مریم گراوند (۱۳۹۲). سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج در شهر کوه‌دشت، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۱.
- دراهمکی، احمد، حسین محمودیان (۱۳۹۱). تأخیر در ازدواج: انطباق یا بحران؟ نگاهی واکاوانه به سن ایده‌آل ازدواج دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۷۳-۹۴.
- رحیمی، علی، شهلا کاظمی‌پور، حجه بی‌بی رازقی نصرآباد (۱۳۹۵). تحلیل گذار تجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۹، شماره ۳.



- صادقی، رسول؛ مریم رضایی (۱۳۹۷). نگرش به اشکال نوپدید در حوزه ازدواج و تشکیل خانواده، ارائه‌شده در سومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران و مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، تهران، ۳۱-۳۰ خرداد ۱۳۹۷.
- صادقی، رسول، محمد شکفته‌گوهری (۱۳۹۵). مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی و رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۸، شماره ۳۰.
- عباسی‌شوازی، محمد جلال، رسول صادقی (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۵-۴۷.
- عباسی‌شوازی، محمد جلال، زهره خواجه‌صالحی (۱۳۹۲). سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اقتصادی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۴۵-۶۴.
- عباسی‌شوازی، محمد جلال و همکاران (۱۳۹۶). گزارش وضعیت و تحولات جمعیت در جمهوری اسلامی ایران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری و مؤسسه مطالعات و مدیریت جامعه و تخصصی جمعیت کشور.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸). سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۴، سال ۱۳، شماره ۲.
- کنعانی، محمدامین (۱۳۸۵). پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۰۴-۱۲۶.
- لوکاس، دیوید، پاول میر (۱۳۹۳). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودپور، احمد، مهدی رضایی، لطیف پرتوی، رسول صادقی (۱۳۸۸). سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه‌ی تداوم و تغییرات خانواده در اجتماعات ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، صص ۷۱-۹۳.
- محمدی‌سیف، معصومه، محمد عارف (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی (شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال دهم، شماره ۸۶، صص ۷۴-۹۰.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۵۳-۲۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵-۹۵). نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران.

میرزایی، محمد؛ فرزاد قربانی (۱۳۹۴). جهت‌گیری ارزشی مادی‌گرایانه - فرامادی‌گرایانه و زمان‌بندی ازدواج (مطالعه موردی: مردان و زنان در شرف ازدواج استان کهگیلویه و بویراحمد)، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، سال دهم، شماره ۲۰، صص ۷۱-۵۰.

ویکس، جان رابرت (۱۳۹۵). جمعیت: مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه الهه میرزایی، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

- Casterline, J. B., Williams, L., & McDonald, P (1986). The Age Difference between Spouses: Variations among Developing Countries. *Population Studies*, 40(3), 353-374.
- Dixon, R. B (1971). Explaining Cross-Cultural Variation in Age at Marriage and Proportions Never Marrying. *Population Studies*, 25(2): 215-233.
- Good, W (1963) World revolution and family patterns, London: Free Press of Glencoe.
- Hamilton, G., & Siow, A (2007). Class, Gender and Marriage. *Review of Economic Dynamics*, 10(4), 549-575.
- Hashimoto, Y., & Kondo, A (2012). Long-term Effects of Labor Market Conditions on Family Formation for Japanese Youth. *Journal of the Japanese and International Economies*, 26(1), 1-22.
- Hogan, D. P (1978). The Effects of Demographic Factors, Family Background, and Early Job Achievement on Age at Marriage. *Demography*, 15(2), 161-175.
- Hossain, M; and Rafiqul, I (2013). Effects of Socio-Economic and Demographic Variables on Age at First Marriage in Bangladesh. *Current Research Journal of Biological Sciences*, Pp. 149-152.
- Ikamari, L. D (2005). The Effect of Education on the Timing of Marriage in Kenya. *Demographic Research*, 12, 1-28.
- Jejeebhoy, S. J (2000). Women's Autonomy in Rural India: Its Dimensions, Determinants, and the Influence of Context Women's Empowerment and Demographic Processes: Moving Beyond Cairo, edited by H. Presser and G. Sen. London: Oxford University Press, Pp. 204-238.
- McDonald, P., & Evans, A (2002). Family Formation and Risk Aversion. In NLC Workshop, May 2002.
- Mensch, B. S., Singh, S., & Casterline, J. B (2005). Trends in the Timing of First Marriage among Men and Women in the Developing World. The Changing Transitions to Adulthood in Developing Countries: Selected Studies, 71-118.
- Nai Peng, T (2007). Trends in Delayed and Non-marriage in Peninsular Malaysia. *Asian Population Studies*, 3(3): 243-261.
- Ritzer, G., and Douglas J. G (2004). Modern Sociological Theory, 6th edition, McGraw-Hill.
- Rosina, A., & Fraboni, R (2004). Is Marriage Losing its Centrality in Italy?. *Demographic Research*, 11Pp.149-172.
- Schaller, J (2013). For Richer, If not for Poorer? Marriage and Divorce Over the Business Cycle. *Journal of Population Economics*, 26(3):1007-1033.
- Thornton, A (2001). The Developmental Paradigm, Reading History Sideways, and Family Change. *Demography*, 38(4): 449-465.
- Torabi, F., Baschieri, A., Clarke, L. and Abbasi-Shavazi, M. J (2013). Marriage Postponement in Iran: Accounting for Socio-Economic and Cultural Change in Time and Space. *Population, Space and Place* 19: 258-274.
- Torabi, F., Baschieri, A (2010) Ethnic differences in transition to first marriage in Iran: The role of marriage market, women's socio-economic status, and process of development. *Demographic research*, 22. Pp. 29-62.
- VandenHeuvel, A., McDonald, P (1994) Marriage and Divorce. In: Lucas D, Meyer P (eds). *Beginning Population Studies*, Australian National University, Canberra, Pp 69-90.
- Weeks, J. R (2002) *Population: an introduction to concepts and issues*, Eighth Edition, Wadworth.